



اخلاق زیست محیطی، ضرورتی برای حیات بشری

سحر کاوندی

عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه زنجان

چکیده

اخلاق محیط زیست یکی از شاخه های اخلاق کاربردی است که مسایل اخلاقی مربوط به محیط زیست همچون رابطه انسان با محیط زیست، احساس مسئولیت آدمی نسبت به آن و ... را بررسی می کند. در دنیای امروز بحرانهای بزرگ زیست محیطی با به خطر انداختن حیات بشر در این کره خاکی، اندیشمندان را بر آن داشته تا در صدد یافتن راه چاره ای برای برون رفت از این بحران باشند. از آنجائی که طرز تلقی و نگرش آدمی به هستی، طبیعت و انسان در نوع رفتار و تعامل او با محیط زیست تأثیری جدی دارد و نیز سامان یافتن نظریات اخلاقی نیز مبتنی بر آن است، از اینرو رویکردهای عمده اخلاق هنجاری - سود گروی، وظیفه گروی و فضیلت گروی- و نیز باورمندی انسان به وجود آفریننده ای در عالم هستی و همچنین هدفمندی و غایتمندی هستی در رهیافت و موضع گیری صاحب نظران اخلاق محیط زیست تأثیر گذار بوده اند.

در این مقاله پس از ارائه تعریفی از محیط زیست و تبیین تأثیر برخی از رویکردهای مهم اخلاقی در تعامل انسان با محیط زیست طبیعی، بر ارائه طریق و گشودن افق های جدید بر اساس دیدگاه خدا محوری و انسان شناسی مبتنی بر اندیشه ها و آموزه های دینی تأکید شده است.

کلید واژه ها: اخلاق، محیط زیست، آموزه های اسلامی، ارزش ذاتی، مسئولیت



مقدمه

انسان علاوه بر رابطه با خدا و انسانهای دیگر، با محیط زیست نیز تعامل و ارتباط دارد و این به گونه ای است که آدمی ناگزیر از چنین ارتباطی با طبیعت و محیط زیست خود به معنای عام آن است، چرا که نظام خلقت به آن گونه سامان یافته که طبیعت را پناهگاه انسان و سایر موجودات و وسیله رفع و تأمین نیازهای اصلی اولیه انسان قرار داده و چنین مسئولیتی صراحتاً از طرف خالق و پدید آورنده عالم به عهده زمین و آنچه در آن است نهاده شده است؛ «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً»^۱ (او خدایی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد)، «و لقد مکّنا فی الأرض و جعلنا فیها معایشاً قلیلاً ما تشکرون»^۲ (همانا شما را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و در آن بر شما معاش و روزی از هر گونه نعمت مقرر کردیم لیکن اندکی از شما شکر نعمتهای خدای بجا می آورید).

وابستگی انسان به طبیعت، سبب شده بود که انسان خود را با طبیعت تفسیر کرده و به تقدیس و تکریم آن بپردازد تا آنجا که گاه برای جلب رضایت آن قربانی و فدیة نیز می داده است. چنانکه در یونان باستان و نیز تمدنهای کهن همچون ایران چنین رفتاری بسیار به چشم می خورد. به عنوان مثال تالس، مغناطیس را که می توانست آهن را حرکت دهد، موجودی زنده می دانست (کاسیرر، ۱۳۷۷: ۱۲۶-۱۳۰).

در این عهد هر درخت، چشمه، نهر و کوهی «روح محافظ» خود را داشت که درختان و موجودات دیگر را از گزند حفظ می کرد؛ بسیاری از موجودات طبیعی همچون خورشید، آب و... به صورت خدایان و الهه ها پرستش می شدند.

در این دوره ارزشهای اخلاقی مواردی طبیعی محسوب شده و بر پایه ارتباط متقابل انسان و محیط پیرامونش شکل گرفته بودند. در واقع حفظ طبیعت و احترام به آن، یک ارزش و هنجار پذیرفته شده بود و از نوع تفکر و استدلال مردمان آن زمان ناشی می شد. اگر چه عملکرد چنین دیدگاهی در قبال محیط زیست مثبت بود، ولی نبود مرجعی مطمئن به نام دین موجب افراط در قداست بخشیدن به مظاهر طبیعت در این دیدگاه شده است (حق شناس، ۱۳۸۷: ۲۶).

اما از زمانی که سوفسطائیان با شعار «انسان میزان تمام پدیده هاست» اندیشه را از پدیده های طبیعی و فراطبیعی به سوی وجود آدمی چرخاندند و انسان محوری در حوزه تفکر و فلسفه و نیز علم و اخلاق رواج پیدا کرد و تنها امر اصیل، عقل و خرد آدمی، تنها موجود ذاتاً با ارزش و برخوردار از جایگاه اخلاقی، انسان، و تنها علم و دانش معتبر، دانش تجربی مترادف با غلبه فناوری بر طبیعت دانسته شد، بحرانهای زیست محیطی بزرگی گریبانگیر زمین شد.

اخلاقی که بر مبنای «سود گروی»^۳ خواهان به حداکثر رساندن سود است و هر آنچه را که سود آور و فایده مند است، ارزشمند و درست می داند و لا غیر، چگونه می تواند از بهره برداری بیش از حد و

^۱ - بقره / ۲۹.

^۲ - اعراف / ۱۰.

^۳ - Utilitarianism.



تخریب منابع طبیعی جلوگیری کند. همچنان است سرنوشت اندیشه ای که مبتنی بر اصالت لذت^۴ و اصالت آزادی^۵ است. چرا که بر مبنای نظریات لذت گرایانه، لذت تنها خیر ذاتی است و در مقام تراحم با امور دیگر، مقدم بر هر چیز. و هر چه لذت بیشتر باشد ارزشمندتر است. بدیهی است بر این مبنا استفاده مسرفانه، غیر منطقی، نامناسب و تخریب منابع و مواهب طبیعی به شرط آنکه لذت آور باشد مجاز است (فتحعلی، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

طرز تلقی، نگرش و چگونگی اندیشیدن افراد و احاد جامعه پیرامون هستی، ارزش ها و حقایق عالم طبیعت بر نوع رفتار آنها با محیط زیست تأثیر گذار بوده و تعیین کننده بایدها و نبایدها در تعامل بین انسان و طبیعت خواهد بود.

از این رو اگر گفته شود بحران های محیط زیستی، یک سره پیامد رفتارهای برخاسته از چنین اندیشه هایی است، سخن گزافی نیست. از میان رفتن جنگل ها و سبزه زارها، آلودگی آب، خاک، هوا و کاهش منابع طبیعی در کنار از دست رفتن ارزشهای والای الهی، معنوی و اخلاقی و افزایش انواع بزهکاری های فردی و اجتماعی و... همه از پیامدهای ناخوشایند این نوع نگرش هاست (همان: ۹۹).

فراگیری این تفکر در جامعه غرب که فناوری می تواند تقریباً بر هر مشکلی فائق آید، امری بسیار واضح است. این خوش بینی، علی رغم وجود قراین و شواهد محکم بر اینکه بخش بزرگی از فناوری بشر، وقتی که مورد سوء استفاده واقع شده، نتایج زیانباری مخصوصاً در دراز مدت به بار آورده است، همچنان باقی است.

هم جالب و هم هشدار دهنده است که بسیاری از مردم، فناوری را تقریباً چیزی خارج از ضبط و مهار انسانی می دانند. ریکوور^۶ این نکته را بدین صورت بیان کرده است:

نگرانم از اینکه ما را تهیه کنندگان فناوری، به این سرعت و سهولت، وادار کرده اند که اجازه دهیم تا به اصطلاح «پیشرفت» زندگی هایمان را دگرگون سازد، بدون اینکه بکوشیم تا آن را تحت ضبط و مهار آوریم. گوئی فناوری از نیروهای مقاومت ناپذیر طبیعت است که ما باید بره وار رام و مطیع او باشیم (پویمن، ۱۳۸۳: ۱۰۸-۱۰۹).

مردم سالاری، فناوری، شهرنشینی، افزایش ثروت فردی، طرز تلقی تجاوزگرانه نسبت به طبیعت، روند رو به رشد تحولات صنعتی عواملی هستند که ربط مستقیمی با بحران محیط زیستی که اکنون جهان با آن مواجه است، داشته و خسارات جبران ناپذیری را به طبیعت وارد می آورند.

اکنون با وجود چنین بحران فزاینده ای سؤال آن است که راه حل برون رفت از این بحران چیست؟ کدامین رویکرد می تواند رهیافتی مناسب برای این منظور باشد؟

روش و اهداف

⁴ - Hedonism.

⁵ - Liberalism.

⁶ - Rickower.



این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی با طرح ضرورت اخلاق زیست محیطی و تبیین رویکردهای مهم مرتبط با موضوع مقاله، به اهمیت آموزه های دینی در توجه به محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن و در مجموع به عنوان مناسب ترین رهیافت برای حل بحران زیست محیطی می پردازد.

مفهوم محیط زیست

مفهوم محیط زیست مفهومی نسبی و قیاسی است و مطلق نمی باشد، چرا که وقتی سخن از محیط زیست به میان می آید باید در ذهن داشته باشیم که منظور، محیط زیست چه کسی است؟ زیرا آنچه موجب بهبود وضعیت یک محل -به عنوان محیط زیست یک موجود خاص- می شود ممکن است محیط زیست موجود دیگری را نابود سازد؛ مثلاً خشک کردن یک باتلاق آلوده ممکن است برای محیط زیست انسان مفید باشد، ولی مسلماً برای پشه ها مضر است (اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

محیط زیست در معنای عام، مکان و فضایی است که در آن زیستن وجود دارد. محیط زیست به تناسب ابعاد مختلف زندگی انسان، اقسام گوناگونی از جمله محیط زیست دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی دارد.

مقصود از محیط زیست در این مقاله، محیط زیست طبیعی است که وجه مشترک تعاریف اندیشمندان برای آن عبارت است از: مجموعه عوامل و عناصر طبیعی غیر انسانی، که میان آنها و زیست انسان، به معنای عام تأثیر و تأثر برقرار است. این مجموعه شامل اشیاء و امور بی جان نظیر زمین، خاک، آب، هوا، فضا و جاندارانی همچون گیاهان و حیوانات می شود (فتحعلی، ۱۳۹۰: ۱۰۰).
و یا آنکه می توان گفت محیط زیست شبکه ای پیچیده است که بین جانوران، گیاهان و سایر صورتهای حیات پیوند برقرار می کند؛ سامانه ای که در آن همه چیز هماهنگ و سازگار با یکدیگر بوده و تغییر یافتن یک جزء دیر یا زود به تغییر بقیه اجزاء می انجامد (بوتکین، ۱۳۸۲: ۳۹).

اخلاق محیط زیست

اخلاق محیط زیست یکی از با سابقه ترین شاخه های اخلاق کاربردی است که درباره چگونگی رفتار انسان با محیط زیست بحث و گفتگو می کند و به مسایلی همچون نوع رابطه انسان با محیط زیست، شناخت طبیعت از سوی انسان، احساس مسئولیت نسبت به آن، حفاظت از منابع طبیعی و... می پردازد (پویمن، ۱۳۸۳: ۱۹۵).

بنابراین سعی اخلاق زیست محیطی، ارائه دلایل نظام مند و جامعی برای این منظور است که چرا باید روابط اخلاقی، بین انسانها و محیط زیست طبیعی وجود داشته باشد و می توان آن را مطالعه رفتار درست و اشتباه در درون یک محیط زیست مشخص، تعریف نمود (به نقل از: عابدی سروستانی، ۱۳۸۶: ۶۱).

حیطه اخلاق زیست محیطی

هماتگونه که بیان شد اخلاق زیست محیطی به رابطه میان فاعل آگاه اخلاقی و امور موجود در محیط زیست او می پردازد؛ از اینرو بسته به اینکه کدامیک از دو طرف -انسان به عنوان فاعل اخلاقی و یا محیط زیست- دارای ارزش و اعتبار فی نفسه و ذاتی باشد، و به تبع آن دارای جایگاه اخلاقی گردد، دیدگاههای سه گانه زیر ارائه شده است:



الف) موقعیت اخلاقی مستقل را منوط به انسانیت دانسته، انسانها را تنها موجودات واجد این جایگاه معرفی می کند.

ب) جایگاه اخلاقی مستقل را متعلق به حساسیت در مقابل درد و لذت می داند و از اینرو همه موجودات حساس را واجد موقعیت و جایگاه مستقل می شمارد.

ج) خود آگاهی و شعور به خود را شرط کسب جایگاه مستقل دانسته، همه موجودات آگاه را واجد این موقعیت ارزیابی می کند (اسلامی، ۱۳۸۸: ۲۰۱).

دیدگاه اول که دیدگاهی انسان محور است معتقد است که فقط انسان دارای ارزش ذاتی بوده و در نتیجه دارای شأن و حق اخلاقی خواهد بود و سایر موجودات یا فاقد ارزش بوده و یا حداکثر ارزشی ابزاری^۷ دارند. از اینرو تخریب محیط زیست تا آنجا مهم است که منافع انسانی را تحت تأثیر قرار داده و رفاه انسان را تهدید کند. بنابراین رفاه انسان وابسته به رفاه بسیاری از چیزهای دیگر است، خواه به سبب فایده ای که به انسان می رساند و خواه به دلیل اهمیت ذاتی که برای انسان دارد؛ لذا باید با اقداماتی که برای تأمین رفاه انسان پیش بینی شده از آنها مراقبت شود.

بنابر این دیدگاه اخلاق سنتی که در آن فقط انسان از جایگاه اخلاقی برخوردار است، برای تأمین همه دل مشغولی های زیست محیطی ناکافی است. این عدم کفایت در قالب مثالی از «آخرین انسان» از سوی منتقدان آن مطرح می شود. مقصود از آخرین انسان فردی است که از فروپاشی نظام جهان جان سالم به در برده است. آنان معتقدند اخلاقیات سنتی انسان محور نمی تواند مبنای محکومیت اعمال آخرین انسان را فراهم کند و در نتیجه بر اساس این اخلاقیات، چنین فردی مجاز به هر گونه تخریبی در طبیعت خواهد بود، در حالی که وجداناً چنان اعمالی خطاست و از اینرو باید به اخلاق جدیدی متوسل شد و در ارزش های انسانی در مقابل ارزش های جهان طبیعت و اجزای آن تجدید نظر کرد (همان).

دیدگاه غیر انسان محور، جایگاه اخلاقی را به سایر موجودات زنده و یا حتی زیست بوم به عنوان یک کلیت تعمیم می دهد و معتقد است که تأثیرات بر محیط زیست موضوعی است که صرف نظر از پیامدهای آن برای انسان ها، دارای اهمیت است. بر این اساس دیدگاه دوم که علاوه بر انسان، حیوانات را که مدرک درد و لذت هستند دارای جایگاه مستقل اخلاقی می داند، طالب رعایت شأن و حقوق حیوانات و احترام به آنهاست.

این نظر جایگاه مستقل اخلاقی را تا مرز حیوانات پیش برده و نظریات متنوعی را پدید آورده است، همچون نظریه های پیتر سینگر که حساس بودن و با شعور بودن موجود را ملاک و معیار در خور احترام بودن موجود مطرح می کند و یا نظریه تام ریگان را که برخوردار از تجربه حیات را ملاک دارا بودن جایگاه اخلاقی (اسلامی، ۱۳۸۸: ۲۰۵). اما گروهی از تئوری پردازان این مقدار را نیز تنگ نظرانه دانسته و معتقدند این نظریات موجودات فاقد درک و احساس را شامل نمی شود و استدلال می کنند که به منظور پرهیز از ناهماهنگی اخلاقی، باید برای تمام موجودات زنده ارزش ذاتی قایل شویم.

^۷ - ارزش ابزاری به این مفهوم است که ارزش یک شی به ارزشی که برای اشیاء دیگر دارد وابسته است.



این نظر مبتنی بر نگاه زیست‌محورانه به طبیعت است. آلبرت شوایتزر و پل تیلور از طرفداران این نظریه معتقدند فرد فرد موجودات زنده می‌توانند منتفع یا متضرر شوند و نفع خاص خود را داشته باشند، از اینرو صلاحیت دارند که فاعل‌های اخلاقی انگاشته شوند (به نقل از: حق شناس، ۱۳۸۷: ۲۵).

علاوه بر این دیدگاهها می‌توان به نظریه بوم‌محور که همه موجودات کره زمین را باارزش و به تبع آن دارای شأن و حق اخلاقی می‌داند و همچنین نظریه عالم‌محور که همه موجودات عالم را ارزشمند و برخوردار از حق اخلاقی می‌داند، نیز اشاره کرد (فتحعلی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

هر یک از این نظریات اخلاق زیست‌محیطی، از انسان محور تا عالم محور، دارای نقاط مثبت و منفی بوده و طرفداران و منتقدان جدی نیز دارد که در این مقال، مجال پرداختن به آن نیست.

اندیشه‌های زیست‌محیطی اسلام

امروزه بحران‌های زیست‌محیطی به قدری وسعت و وخامت پیدا کرده است که به یکی از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های جدی و اساسی اندیشمندان در حوزه‌های مختلف تبدیل شده است. یکی از اصلی‌ترین حوزه‌هایی که به طور بنیادین طی دهه‌های اخیر به کنکاش در این مسئله برای یافتن راه حل برون رفت از این بحران و نیز ارائه راهکارهای حفاظتی و نگهدارنده می‌پردازد، حوزه اخلاق و اندیشمندان اخلاقی هستند؛ آنان با تبیین و ارائه نظریات مختلف و بیان دیدگاههای متفاوت بر اساس مبانی و اصول خاصی، سعی در ارائه راهکاری برای جلوگیری از تخریب محیط زیست و نیز حفظ و حراست از آن در حیطه‌های مختلف دارند. حال تفاوتی نمی‌کند این دیدگاهها در حوزه اخلاق زیست‌محیطی بر اساس نگاه ارزشمندی ذاتی به طبیعت باشد یا نگاه ابزارانگارانه به آن؛ ناشی از مبانی هستی‌شناسانه باشد یا ناشی از مبانی ارزش‌شناسانه و مبانی شناخت‌شناسانه، در قالب فایده‌گرایی طرح شده باشد یا در قالب وظیفه‌گرایی، و یا فضیلت‌گرایی، و یا آنکه حیطه آن فقط شامل انسان شود و یا آنکه حیوان، موجودات زنده و یا کل موجودات عالم را فرا گیرد، در هر صورت مسأله محیط زیست و بحران موجود در آن و میزان تخریب در آن هر لحظه و هر ثانیه چنان مهم و حیاتی است که هر متفکری را در هر حوزه، برای نجات خود به فکر فرو می‌برد.

در این میان ادیان از ابتدا با نگاهی متفاوت و مبانی خاص به این مسأله توجه ویژه نموده و آموزه‌هایی را برای پیروان خود در جهت حفظ و حراست از محیط زیست و نیز پاداش اعمال و مجازات خطاکاران بیان کرده‌اند.

از آنجا که دین مبین اسلام، کاملترین دین است لزوماً باید آموزه‌ها و تعالیم وحیانی اش نیز کامل، موسّع و جامعتر از ادیان پیشین باشد. بر این اساس ما در این مقاله اختصاصاً با استفاده از آیات و روایات به تبیین دیدگاه اسلام در خصوص ارزش موجودات، لزوم احترام به آنها، چگونگی حفظ، نگهداری و بهره‌برداری از آنها و... و در یک کلام اندیشه‌های زیست‌محیطی اسلام می‌پردازیم.

از دیدگاه اسلام همه موجودات عالم نشانه و آیه‌ای از ذات باری تعالی هستند «و جعلنا اللیل و النهار آیتین فمحمونا آیه اللیل و جعلنا آیه النهار»^۸ (شب و روز را دو آیت از آیات خداوند قرار دادیم. شب را که خود نشانه‌ای است تاریک ساخته و روز را که نشانه‌ای دیگر است روشن و روشنی بخش گردانیده ایم).



و از آنجا که خداوند کمال محض بوده و تمام کمالات و صفات کمالیه در او به نحو اتم و اکمل جمع هستند، لذا تمام موجودات عالم که مخلوق و معلول اویند به اندازه ظرف وجودی خود، بهره ای از کمالات خالق و علت خود را دارند، از اینرو تمام اجزای هستی به جهت ارتباط وجودی با خداوند و به مقدار بهره وجودی با خداوند و به مقدار بهره وجودی خویش ارزشمندند. آیات متعددی از قرآن که در آن سوگند به پدیده ها و موجودات طبیعی شده است^۹، و یا امر و دعوت به تفکر و تدبر در پدیده های طبیعی، گواه بر این مطلب است. «الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً»^{۱۰}.

و مهمتر از همه آنکه تمام موجودات و کل عالم هستی تسبیح گوی خداوندند، از آنجایی که هر تسبیح و تقدیسی منوط به درک، شناخت و معرفت آن موجود نسبت به موجود قابل تقدیس و تحمید و نیز به تسبیح خود است، لذا با توجه به آیات قرآن، چنین استفاده می شود که همه موجودات - حیوانات، نباتات و کل کائنات - از معرفت و آگاهی برخوردار بوده و با توجه به سعه وجودی خود براساس آگاهی و معرفتی که از خالق خود دارند به تقدیس و تسبیح او مشغولند از اینرو همه موجودات ارزشمندند، اما بنا به تصریح آیات انسان از درک تسبیح آنها عاجز است؛ «ألم تر أن الله یسبح له ما فی السموات و الارض و الطیر صافات کل قد علم صلاته و تسبیحه و الله علیم بما یفعلون»^{۱۱} «آیا ندانسته ای که هر که در آسمان ها و زمین است و پرندگان گشوده بال، خدا را تسبیح می گویند، همه موجودات راه عرضه نیاز خود را به درگاه خدا می دانند و از تسبیح گفتن خود آگاهند و خدا به آنچه می کنند داناست»؛ «ولله یسجد ما فی السموات و ما فی الارض من دابة و الملائکة و هم لا یتستکبرون»^{۱۲} «وهمه جنبندگان که در آسمانها و زمین اند فقط در برابر خدا خاضعند و برای او سجد می کنند و فرشتگان نیز به درگاه او سجد می برند و در برابر او خاضعند و هرگز گردن کشی نمی کنند»؛ «تسبیح له السموات السبع و الارض و من فیهن و ان من شی الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم»^{۱۳} «آسمانهای هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست او را تسبیح می گویند و «هیچ چیزی» نیست مگر آنکه خدا را همراه با ستایش او تسبیح می گوید ولی شما تسبیح آنها را در نمی یابید).

اما از آنجایی که در بین همه موجودات و مخلوقات، فقط انسان است که از توانایی انتخاب آگاهانه و نه غریزی و طبیعی برخوردار است، از این رو بحث از ارزش، حق و مسئولیت اخلاقی فقط درباره انسان معنا و مفهوم دارد. از نگاه قرآن برای آنکه کاری دارای ارزش اخلاقی شود باید برخاسته از ایمان به خداوند و روز قیامت و در چارچوب دستورات شرع مقدس باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۳۲۸ - ۳۳۳ و ۳۴۲) و این معنا در بین تمام موجودات فقط در حق انسان معنا پیدا می کند.

^۹- ر.ک به: آیات: ضحی/۱ و ۲، نین/۱، لیل/۱ و ۲، فجر/۱ و ۲، طارق/۱ و ...

^{۱۰}- آل عمران/۱۹۲.

^{۱۱}- نور/۴۱.

^{۱۲}- نحل/۴۹.

^{۱۳}- اسراء/۴۴.



بر این اساس در ادیان ابراهیمی، سؤال از آنکه چه چیزی از ارزش ذاتی و به تبع آن حق و شأن اخلاقی برخوردار است، بر حسب خدامحوری ارائه می شود. به این معنا که ارزش ذاتی (اولاً و بالذات) در جهان هستی متعلق به خداوند است و تمام موجودات به دلیل ارتباط با ذات واجب تعالی ارزشمندند، بدین لحاظ انسانی که فعل او آگاهانه و به اختیار و انتخاب خویش است از سوی خداوند موظف به مراقبت و حفاظت از همه موجودات - که مخلوق آن ذات یگانه هستند - است و چون بر اساس جهان بینی اسلام خداوند محیط به همه امور و عالم و آگاه از هر آنچه موجودات انجام می دهند، می باشد، لذا چگونگی عملکرد انسان و اطاعت او از دستورات الهی و وظایف نهاده شده بر عهده او، و از جمله رفتار او با همه موجودات عالم و محیط زیست طبیعی از منظر خداوند دور نبوده، از پاداش بی بهره و از مجازات در امان نخواهد بود.

از اینرو در جهان بینی دینی، مراقبت از محیط زیست وظیفه ای الهی و دینی محسوب شده و به ضمانت اجرائی آن نیز در دستورات و توصیه های دینی تأکید شده است تا نیک رفتار از بد رفتارانی با موجودات و محیط زیست از یکدیگر متمایز شده و به سزای اعمال و رفتار خود برسند. «إنا جعلنا ما علی الأرض زینةً لها لنبلوهم أیهم أحسن عملاً»^{۱۴} (زمین را آراستیم تا شما را بیازمائیم و ببینیم کدامیک به نیکی رفتار می کنید). خدای سبحان، نظام کیهانی و زمین و محیط زیست را آفرید و آنها را در اختیار انسان نهاد تا او را بر اساس دستورهای خود بیازماید و ببیند که وی پس از مطالعه و شناخت لازم، چگونه از این امانت های الهی در مسیر طاعت خالق بهره می گیرد و با مزایا و نعمتهای زیست محیطی پروردگار چگونه رفتار می کند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۸۷).

در آموزه های دینی هم از آلوده کردن محیط زیست نهی شده و هم به پاکسازی آن در صورت آلوده شدن امر و ترغیب شده است؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) می فرمایند: «محیط زندگی خود را نظافت کنید و همانند یهودیان نباشید» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۵۳۱). پیامبر اکرم (ص): «سه گروه بر اثر کار ناروا از رحمت خدای سبحان به دورند: ۱- کسی که مکان عمومی - همانند محیط زیست، پارک، خیابان و...- را آلوده کند؛ ۲- کسی که از آب نوبه ای - سهمیه بندی شده - جلوگیری کند و نوبت دیگران را رعایت نکند؛ ۳- کسی که سدّ معبر کرده و مانع عبور عابران شود» (همان، ج ۲: ۲۹۲).

حقوق حیوان

نیازهای اساسی حیوانات در شرع مقدس اسلام جزو حقوق آنهاست و برآوردن این حقوق از وظایف انسان شمرده می شود از اینرو همه انسانها در برابر حقوق حیوانات مسئولیت دارند. بدیهی ترین حقوق آنها که مقتضای حق حیات آنهاست آماده سازی آب، علف، مکان مناسب و تأمین آرامش و امنیت شبانه برای آنهاست. مصون داشتن حیوان از آزار و اذیت در بهره برداری و وارد نکردن صدمه و آسیب بر پیکر حیوان و حرمت گذاری حیوان و... از حقوقی است که شرع مقدس با تعبیرهای گوناگون و در قالب احکام تکلیفی به آنها سفارش کرده و رعایت آنها بر مالک حیوان و دیگران و در مواردی بر حاکم شرع نیز واجب شده است.

^{۱۴} - کف/ ۷.



فقها آب و علف دادن به حیوان را (در موارد ضروری، واجب و در غیر آن) مستحب شمرده اند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۶۸).

امام کاظم (ع): «خدا را درباره بردگان خویش و درباره زبان بسته ها (حیوانات) در نظر بگیرید. عرض شد: زبان بسته ها کدام اند؟ فرمود: گوسفند، گربه، کبوتر و امثال این ها» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۲۹).

امام کاظم (ع): «از مروت و مردانگی آدمی آن است که حیوانات تحت اختیار او فربه باشند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۴۷۹).

امام صادق (ع): «لقمان به فرزندش گفت: چون در سفر در منزلی برای استراحت فرود آمدی، پیش از اینکه به نیازهای خودت برسی به تغذیه حیوان برس» (همان، ج ۸: ۳۴۹).

پیامبر اکرم (ص) نهی فرموده که آدمی، پشت حیوان را صندلی راحتی خود قرار دهد، چه بسا حیوانی که در اطاعت و یاد خدا، بهتر از سوار خود باشد (همان، ج ۶: ۵۳۸).

حقوق موجودات زنده

سلامت محیط زیست پیوندی تنگاتنگ با حیات سالم جامعه دارد، سالم نگه داشتن محیط زیست یعنی رعایت حق زمین، هوا، آب، خاک، دریا، کوه و دشت، گیاهان و سایر موجودات و سایر عرصه های زیست محیطی که با حیات فرد و جامعه پیوند دارند (جوادی آملی، اسلام و محیط زیست: ۳۸).

پیامبر اکرم (ص): هرکس درختی بکارد، خدا به اندازه محصول آن، برایش پاداش می نویسد (سیوطی، ۱۴۰۱: ۵۱۴).

امام صادق (ع): از چیزهایی که مؤمن پس از مرگش از آن ها بهره مند می شود، نهالی است که آن را کاشته است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۳).

آبیاری درختان بر اساس روایات با سیراب نمودن انسان تشنه ای برابری می کند، امام صادق (ع) می فرماید: هر کس درخت خرما یا سدر را آب دهد مانند آن است که تشنه ای را سیراب کرده باشد (همان، ج ۶۱: ۲۶).

امام صادق (ع): درخت های ثمر دهنده را قطع نکنید که - اگر چنین کنید - خدا سخت بر شما عذاب می ریزد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۲۶۴).

همچنین در این تعالیم حفظ درخت در مناطق کم درخت و بیابانی سودمندتر معرفی شده چنانکه حضرت امام صادق (ع) می فرماید: قطع درخت (سدر) در مناطق بیابانی روا نیست، چرا که درخت در آن مناطق کم است (همان: ۲۵۴).

حقوق سایر موجودات عالم

آب و هوای سالم و زمین حاصلخیز موهبتی خدایی است که تحصیل و نگهداری آنها ضرورت زندگی است. به فرموده قرآن: آب و خاک، ماده نخستین آفرینش انسان اند «هو الذی خلق من الماء بشراً^{۱۵}» و «و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین^{۱۶}»؛ به ویژه آب که ماده نخست آفرینش هر موجود زنده در زمین و مایه

^{۱۵} فرقان/ ۵۴.

^{۱۶} مؤمنون/ ۱۲.



حیات زمین است، «وجعلنا من الماء كل شی حی^{۱۷}» پس باید به درستی از آنها بهره برد تا حیات آن ها در خطر قرار نگیرد.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: مسلمانان درمراعات و آب و آتش حقوق مشترک و سهم مشابه دارند (سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۶۶۸). در تعالیم دینی از اسراف و زیاده روی در مصرف آب پرهیز داده شده تا آنجا که حتی در مصارف واجبی چون غسل و وضو هم مقدار آب مصرفی بیان شده است و نیز در خصوص مهار آب برای استفاده بهتر توصیه هایی شده است، پیامبر اکرم (ص) می فرماید: هر کس طغیان آب فراوان (و طغیانگر) را باز دارد و آن را مهار کند بهشت پادشاه اوست (دبلمی، ۱۴۱۲: ۱۷۵).

امیرمؤمنان (ع): «آب ساکنانی دارد، با فضولات خود آنها را نیازارید» (احسائی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۸۷). آن گاه که خداوند انسان را آفرید و او را جانشین خویش در زمین قرار داد، از او خواست همچون مهمان بر سر سفره نعیم خدا بنشیند و با بهره گیری از آنها به آبادانی زمین بپردازد «هو الذی أنشأكم من الارض و استعمرکم فیها^{۱۸}» و محیط زیست را سامان بخشد، از این رو گاهی با بیان «و ابتغوا من فضل الله^{۱۹}» و زمانی با عبارت «فأمشوا فی مناكبها^{۲۰}» انسان را به بهره گیری از منابع محیط زیستی فراخوانده و می فرماید: روی زمین راه بروید و روزی بطلبید.

در آموزه های دین به استفاده همیشگی از زمین های حاصلخیز ترغیب شده است، گاهی به کشاورزی و گاهی به درختکاری در آن، از این رو اگر کسی زمین های خشک و بی حاصلی را که ملک کسی نیست آبیاری و حاصلخیز کند، مالک آن می شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۷۰۶-۷۰۷). رسول خدا در این باره می فرماید: زمین موات از آن خدا و رسول اوست، پس هر کس آن را آباد کند، از آن اوست (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۱۴۵).

نتیجه

بحرانهای روز افزون در محیط زیست لزوم تجدید نظر در رفتارها و روش زندگی انسان را نسبت به طبیعت و عالم هستی می طلبد. تعیین اصول و معیارهایی که بر روابط انسان با محیط زیست به منظور ممانعت از آسیب رساندن به طبیعت و حفاظت از آن حاکم می باشد، برعهده اخلاق زیست محیطی است. هریک از نظریات مطرح در حوزه اخلاق زیست محیطی بر اساس مبانی و معیارهای خاص خود و ارزش ذاتی قایل شدن فقط به انسان، سایر موجودات و یا کل عالم هستی، حیطه های متفاوت اخلاقی را برای آنها در نظر گرفته اند. ناکافی بودن بسیاری از این دیدگاهها از سویی، و غنی بودن آموزه های دینی بخصوص دین اسلام در باب حفاظت از محیط زیست و ارائه راهکارهای متعدد به منظور جلوگیری از تخریب آن، لزوم توجه مجدد به دین و تعالیم آن را نمایان تر می کند. بر اساس جهان بینی خدامحورانه همه عالم مخلوق و مملوک خداوند است و به لحاظ ارتباط وجودی با خداوند، ارزشمند می باشد.

^{۱۷} انبیا/۳۰.

^{۱۸} هود/۶۱.

^{۱۹} جمعه/۱۰.

^{۲۰} ملک/۱۵.



از این رو وظایف و تکالیفی از سوی خداوند برای حفظ و حراست از محیط زیست به عهده انسان نهاده شده است و از سویی چون خداوند محیط بر همه چیز است، لذا رفتار و اعمال انسان با طبیعت و محیط از دید پروردگار مخفی نمانده و مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

با توجه به این مقدمات و آنچه در متن مقاله آمد، هرانسان دینداری، در جهت اطاعت از دستورات دینی و نیز هماهنگ ساختن خود با کل عالم - که خود نیز جزئی از آن است - به عنوان وظیفه دینی، مکلف به حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن و بازسازی و تجدید آن است.





منابع و مأخذ

قرآن کریم

- پویمن، لوئی، **اخلاق زیست محیطی**، ترجمه مهدی داوودی، زیر نظر منصوره شجاعی، تهران، توسعه، ۱۳۸۳.
- بوتکین، دانیل و کلر، ادوارد، **شناخت محیط زیست: زمین سیاره زنده**، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد، ۱۳۸۲.
- جوادی آملی، عبدالله، **اسلام و محیط زیست**، قم، نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، **مفاتیح الحیاء**، چاپ بیست و چهارم، قم، نشر اسراء، ۱۳۹۱.
- اسلامی، محمد تقی و همکاران، **اخلاق کاربردی و کاوشهای نوین در اخلاق عملی**، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
- مصباح یزدی، محمد تقی، **نقد و بررسی مکاتیب اخلاقی**، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
- کاسیرر، ارنست، **اسطوره دولت**، ترجمه یدالله موقن، چاپ اول، چاپ هرمس، ۱۳۷۷.
- حق شناس، محمد و ذاکری، سید محمدحسین، **«جستجوی مفاهیم اخلاق زیست محیطی در آموزه ای اسلامی»** فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سوم، شماره های ۱ و ۲، ۱۳۸۷.
- عابدی سروستانی، احمد و همکاران، **«ماهیت و دیدگاههای اخلاق زیست محیطی با تاکید بر دیدگاه اسلامی»**، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره های ۱ و ۲، ۱۳۸۶.
- فتحعلی، محمود، **«نظریه اخلاق زیست محیطی اسلام با تاکید بر آرای استاد مصباح یزدی»**، فصلنامه معرفت اخلاقی، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۰.
- السیوطی، جلال الدین، **الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر**، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- دیلمی، حسن بن علی، **ارشاد القلوب الی الصواب**، چاپ اول، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
- احسائی، محمد بن علی، **عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة**، تحقیق آقا مجتبی محمدی عراقی، چاپ اول، قم، انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۵.
- طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الاخلاق**، چاپ چهارم، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.